****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**سخن روز**

**بازداشت رییس پیشین زندان رجایی شهر ، بهانه ای برای یادآوری حقوق اساسی زندانیان به خصوص زندانیان سیاسی**

بازداشت رئیس پیشین زندان رجایی‌شهر کرج و فرزندش به اتهام دریافت رشوه، کلاهبرداری از زندانیان و وارد کردن مواد مخدر به زندان، خاطره اعتصاب غذای زندانیان سیاسی گوهردشت در سال 96 را بار دیگر زنده کرد. پخش این خبر همزمان با اعتصاب غذای دو زندانی سیاسی #ساناز\_الهیاری و #امیرحسین\_محمدی\_فر، برخورد زندان بانانی همانند مردانی را در خاطره ها تداعی می‌کند. ضرب و شتم ندا\_ناجی و #عاطفه\_رنگریز در زندان قرچک، عدم رسیدگی به وضعیت درمانی #آرش\_صادقی و سایر زندانیان سیاسی بیمار، محروم کردن زندانیانی چون #محمد\_حبیبی، #محمود\_بهشتی از حق قانونی شان برای مرخصی درمانی، صدور حکم های سنگین و بی منطق برای فعالان معلمان و دستگیری مریم محمدی از فعالان جنبش زنان و احتمال دستگیری های بیشتر سایر فعالان اجتماعی و سیاسی... نشانگر آن است که همچنان مردانی ها و همکارانش بر سر کارند و از این جهت ضروری است توجه جامعه به وضعیت و شرایط نامناسب نگهداری زندانیان به خصوص زندانیان سیاسی بیشتر جلب ‌شود.

مروری بر آن اعتصاب و عملکرد این رییس زندان، شاید کمک کند تا ضرورت بازبینی بر عملکرد مسوولان وقت زندان‌ها و تغییر شرایط نگهداری و برخورد با زندانیان (اعم از سیاسی و غیر سیاسی) روشن شود . هر چند که راه حل اصلی، #آزادی\_بی\_قیدوشرط\_وفوری کلیه زندانیان سیاسی ای است که به جرم اعتقادات و حق خواهی در زندان به سر می برند.

مردانی مرد خشن و سختگیر زندان بود که زندان را بر زندانیان جهنم کرده بود و افتخار می‌کرد که زندانیان را در عذابی دائم قرار می‌دهد . زندانی سیاسی ارژنگ داوودی در باره او چنین گفته بود:

"از پاییز 1363 تاکنون سال‌های زیادی را در زندان‌های گلف اهواز ، مرکزی بندرعباس ، اوین و رجایی شهر بسر برده و حداقل 11 تن از روسای زندان‌ها را تجربه نموده ام، ولی اینک بدین وسیله با صراحت تمام اعلام می دارم که هیچ یک از آنان در مقایسه با رئیس فعلی زندان رجایی شهر (مردانی) دژخیم تر و تا به این حد و پایه رفتاری ضد بشری از خود بروز نداده اند."

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی گوهر دشت از ۸ مرداد ۱۳۹۶ شروع و در 17 شهریور 96 خاتمه یافت. این اعتصاب در اعتراض به فشارهای اعمال‌شده از سوی مسؤلین زندان و انتقال آن‌ها به بند فوق امنیتی سالن ۱۰ در زندان گوهردشت (رجایی‌شهر)، آغاز شد. مأمورین زندان علاوه بر این‌که لوازم شخصی زندانیان از قبیل کتاب، لباس و وسایل پخت‌وپز را به این بند منتقل نکردند، از دادن داروهای ضروری به زندانیان بیمار نیز ممانعت کرده و همچنین هیچ‌کدام از وسایل زندانیان منجمله دستگاه‌های تصفیه آب و آب سردکن، یخچال‌ها، تلویزیون و مواد غذایی مصرفی زندانیان که با هزینه های شخصی آنان فراهم شده بود، نیز به سالن ۱۰ منتقل نشد و این گونه دسترسی زندانیان به آب کافی و سالم نیز محدود شد و برای تغذیه آنان نیز فقط جیره غذایی ناکافی و بی کیفیت زندان محدود در اختیار بود . اعتصابیون سالن ۱۰بند ۴زندان گوهردشت در بیانیه ای که علل اعتصاب غذای خود را توضیح داده بودند، از مسوولانی که با رفتارهای غیر قانونی خود، زمینه های این اعتصاب را فراهم کرده بودند نیز نام برده بودند، از جمله محمد مردانی رییس زندان گوهر دشت، به همراه معاون زندان، فرمانده گارد زندان، مسوول حفاظت اطلاعات و مسوول پاسیاری و ...

با آنکه کاملا روشن است که یک زندانی بعد از بارها اعتراض و گفت و گو، تقاضای کتبی و شفاهی و طی مسیرهای قانونی موجود، در نهایت از جان خود مایه گذاشته و برای رساندن صدای خود دست به اعتصاب غذا می زند، آن هم به این دلیل که دستش از هر گونه ابزاری برای رسیدگی به خواسته اش کوتاه است، اما باز هم برخوردی که با این اقدام صورت می‌گیرد در وهله اول محرومیت بیشتر از هر گونه امکان تماس با دنیای خارج، انتقال به سلول‌های انفرادی، تهدید به تشکیل پرونده جدید، بی توجهی به وضعیت سلامت آنان و عدم رسیدگی های پزشکی لازم است. به عنوان مثال در اعتصاب غذای زندانیان گوهر دشت، مردانی رئیس زندان گوهردشت کرج با تهدید به زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا به سر می‌بردند گفته بود: «به دکتر اجازه نمی‌دهم بیاد ببینتتون، چون این اعتصاب غذا را به رسمیت نمی‌شناسم.»

به دنبال این تهدیدات طی هفته آخر مرداد ماه 1396 هیچ‌کدام از زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا مورد معاینه پزشکی قرار نگرفتند و در نتیجه وضعیت جسمی زندانیان سیاسی در حالت خطرناکی قرار گرفت. به دنبال آن دادستان تهران، روز چهارشنبه اول شهریور اعلام کرد: «به برخی زندانیان که به اعتصاب غذا و سایر تهدیدها روی می‌آورند اعلام می‌کنیم که این اقدامات، اموری شکست‌خورده‌است و دستگاه قضایی تسلیم این موارد نمی‌شود.»

اما حمایت های مردمی و آزایخواهان از تجمع حمایتی تعدادی از فعالان کارگری در مقابل زندان گوهر دشت که به دستگیری چند تن در این اعتراض منجر شد، گرفته تا صدور بیانیه ها و اعلام حمایت ها و... کمک کرد تا صدای این زندانیان انعکاس جهانی یابد.

در نهایت، زندانیان اعتصابی در 17 شهریور 96 با قول رسیدگی مسوولان و به درخواست دوستان و خانواده هایشان اعلام کردند که اعتصاب خود را به روزه سیاسی تبدیل و در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان، بار دیگر اعتصاب غذا خواهند کرد.

در فاصله یک ماه پس از پایان اعتصاب، در مهر 1396، محمد مردانی از ریاست زندان برکنار شد و شرایط داخل بند به تدریج و به آهستگی تغییر کرد. اما همان زمان به اتهامات وارده به محمد مردانی نه تنها رسیدگی نشد بلکه در پست بالاتری (بازرس ارشد سازمان زندان‌ها) مشغول به کار شد.

و حال پس از گذشت دو سال، محمدعلی مردانی» رئیس سابق زندان رجایی‌شهر کرج و فرزندش «علیرضا مردانی» به اتهامات متعددی روز چهارشنبه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۹۸، بازداشت و به زندان منتقل شدند. در خبرها آمده:

"محمدعلی مردانی با حدود ده سال ریاست بر زندان رجایی‌شهر و پرونده‌سازی‌های علیه ۱۵۳ تن از کارمندان زندان که با وی به مشکل برخورده بودند، تعدادی از آن‌ها را اخراج و تعداد دیگری را نیز به زندان‌های دور افتاده تبعید کرده بود. وی که در مهرماه ۹۶، با اعتصاب و اعتراض دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، تحت فشار قرار گرفته و از کار برکنار شده بود، با اتهاماتی چون «ورود مواد مخدر در زمان ریاستش به زندان رجایی‌شهر»، «مشارکت 'امید عزیزی' دفتردار وی در ورود مواد مخدر به زندان»، «اعمال نفوذ برای انتقال سربازی فرزندش به زندان رجایی‌شهر»، «واگذاری غیرقانونی پیمانکاری تعاون زندان به فرزندش»، «اخذ رشوه از زندانیان به بهانه‌ی اخذ رضایت از شکات» و «اقدام به کلاهبرداری از زندانیان» با حکم بازپرس «مهدوی‌پور» بازپرس دادسرای استان البرز بازداشت و به زندان کچویی کرج منتقل شد."

و در این میان سوالات بی جواب زیادی باقی ماند؛ سوالاتی نظیر این که:

* چرا این همه تاخیر در رسیدگی به جرم فردی که ده ها زندانی شاهد اقدامات مجرمانه او بودند و از این اقدامات صدمات جبران ناپذیری به آنها وارد شده است؟
* چه کسانی مسوول اقدامات مجرمانه و حق کشی ها و صدماتی هستند که مدت فعالیت وی در پست "بازرس ارشد سازمان زندان‌ها" به زندانیان وارد شده است؟
* چه اقدامات پیشگیرانه ای برای ممانعت از کار افرادی شبیه به مردانی انجام شده یا خواهد شد، افرادی که به واقع "امنیت کشور" را در لوای برخوردهای غیر انسانی با زندانیان به خصوص زندانیان سیاسی به خطر می اندازند؟
* چند زندانی دیگر باید جان خود را از دست بدهند یا صدمات جسمی غیرقابل درمانی را متحمل شوند و... تا این روند تغییر کند؟
* و این سوال اساسی تر که : چرا در مظهر دادگاه ها، بی عدالتی جرم نیست اما عدالت‌خواهی جرم سنگینی است که شریف‌ترین انسان ها به خاطر آن باید چنین حبس های طولانی را تحمل کنند؛ انسان های شریفی چون #ندا\_ناجی، #عاطفه\_رنگریز، #مرضیه\_امیری، #محمود\_بهشتی، #محمد\_حبیبی، #جعفر\_عظیم\_زاده، #سعید\_شیرزاد، #اسماعیل\_عبدی، #اسماعیل\_بخشی، #سپیده\_قلیان، #امیر\_امیرقلی، #ساناز\_الهیاری، #امیرحسین\_محمدی\_فر، #پیام\_شکیبا، #مجید\_اسدی، #آرش\_صادقی، #مریم\_محمدی و ده‌ها زندانی دیگر؟

این دستگیری بار دیگر ثابت کرد که سرکوب و خشونت علیه مخالفان همواره با دزدی و فساد رابطه ای تنگاتنگ دارد و زندانیان با مایه گذاشتن از جان و زندگی خود به این فساد و رفتارهای غیرانسانی اعتراض می کنند.

**رفع این فشارها، تامین سلامت و امنیت زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی اولین گام برای اجرای عدالت است . این خواست نه فقط کارگران، معلمان و دانشجویان، بلکه کلیه زحمتکشان، مزد و حقوق بگیران است چرا که هیچ انسانی نباید به دلیل اندیشه و اعتقاداتش در زندان باشد.**

و تا آن زمان، توجه به این نکته از سوی مسوولان مهم است که هر انسانی صرف نظر از اتهامی که به او وارد شده و یا جرمی که مرتکب شده، در زندان حقوقی دارد. حقوقی که همین قوانین دست وپا شکسته موجود هم آن را به رسمیت شناخته است، از جمله **رسیدگی سریع و طی شدن روند قانونی پرونده، حق ثبت اعتصاب غذا در دفتر زندان و معاینه روزانه توسط پزشک؛ حق استفاده از امکانات بهداشتی و رفاهی لازم، غذا و آب سالم؛ حق دسترسی به روزنامه و کتاب و تلویزیون و … ؛ حق تماس تلفنی با خانواده؛ حق ملاقات حضوری؛ حق مرخصی؛ حق تجمیع و حق استفاده از مرخصی متصل به آزادی** و …

این ها حقوق اولیه هر زندانی است نه فقط زندانیانی که به دلیل داشتن امکانات مالی و یا روابط نزدیک با برخی از مسوولان از این "مواهب" زندان برخوردارند!

**19 تیر 1398**

**کانون مدافعان حقوق کارگر**

http://www.kanoonm.com/3310#more-3310